

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1389/12/28



یک ایه ای در قرآن هست که تمامی شئون طلبگی در ضمن این ایه اشاره شده است سه تا مطلب دارد این سه تا مطلب تمام شئون زندگی یک طلبه را پوشش می دهد **خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین** از امام صادق روایتی است به این مضمون که در قرآن ایه ای جامعتر درباره مکارم اخلاق مثل این ایه نداریم از نظر بلاغت هم یک دانشمند علوم بلاغت مصری به عنوان مثال این ایه را در بلاغت الگو و اسوه ایجاز نقل می کند که گفته می شود که این ایه می تواند نه یک جلد کتاب شاید چندین جلد کتاب نوشته شود شرح برای این ایه و هر چیزی قدر متیقنی دارد قاعده اصولی و فقهی این است که مخصوصاً سید الاستاد سید الخویی هم یادآور می شود که شما در عمومات فقط قدر متیقن باید بگویید دست از اطلاق بر ندارید این یک نکته از کار است قدر متیقن باشد و انصراف هم محقق باشد آن موقع قدر متیقن از اطلاق جلوگیری می کند این جمله از کفایه هم یادمان هست که در جزء مقدمات حکمت که مولی در مقام بیان هست و قرینه ای بر اراده خاصی نصب نکرده است و خود بیان هم قابلیت عموم و قابلیت شمول را داشته باشد مرحوم خراسانی یک مطلبی را هم در مقدمات اشاره می کند که قدر متیقن در مقام مخاطب وجود نداشته باشد قدر متیقنی که در حد انصراف باشد و الا مجرد قدر متیقن و وجود قدر متیقن در هر بیانی وجود دارد که باعث انصراف نمی شود تا آن دو تا نکته دیگر درکار باشد این ایه قدر متیقنش طلبه ها و اهل علم هستند ایه سه تا مطلب می گوید که اگر این سه تا باز بکنیم و نصب العین قرار بدهیم حقیقتاً قرآنی عترتی هستیم یعنی در خط قرآن و عترتیم فراز اولش **خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین** آن دانشمند مصری می گوید این ایه اسوه ایجاز است که چقدر مطلب زیاد به عنوان معجزه گنجانده شده است مطلب اول **خذ العفو** نمی گوید و اعفو در جاهای دیگر می گوید چقدر نکته دارد یعنی عفو را به خود به عنوان یک خصلت با خود بگیر عفو از تو جدا نباشد یک نکته مقدماتی بگویم هر کسی کار خوبی را تصمیم بگیرد که ترک نکند خدا توفیق می دهد این یک تجربه است آن ایه **ان تنصر الله ينصرک**

اینجا خودش را نشان می دهد گاهی تعبیراتی است که مثلاً ارحم ترحم عمومیت دارد ولی مصداق بارزی دارد نسبت به زن و فرزند زود نشان می دهد ان تنصر الله ینصرکم در مسائل معنوی خودش را نشان می دهد در مسائل زندگی ممکن است کم و زیاد باشد قدر متیقنش طلبه هاست طلبه که معمم شد یا در سلک روحانیت امد قضیه برخورد و خشونت و درگیری دیگر تمام شد این را باید ضبدر بکشید مرحوم ایت الله سید محسن حکیم که فرزندانش را معمم می کرد می گفت پسر من شما الان روحانی شدید در خیابان که راه می رود کسی به شما اهانت کرد به اهانت مردم اعتنا نکنید چون طریقه ما فرق می کند چون ادم درگیری خوب لزومی ندارد اما رشته اش را بکشد کنار ما که شرعاً مسئولیت به عهده نمی گیریم امده این است ديار غربت است غربایی است منتها شیوه ما با اصل رفتار **كونوا دعاه الناس بغير السننكم** با رفتار خودمان با صبر و حوصله و تبسم حتی ما که الگو گیری گیریم مسئله ای که می گوئیم برای مومنین شیعه اصلی این است که تبسم باشد كونوا لنا زینا و لا تكونا شینا همان فرمایش از امام سجاد شما یادآور شدید ایشان درباره امام سجاد می فرماید که **یقضي حياءو یقضي من مهابة فما یتکلم الا حين** یتسم صحبت نمی کرد مگر با تبسم یک وقت ماهیت طلبگی است که مقومی دارد که اگر آن مقوم نبود صحت سلب دارد مقوم طلبه دو چیز است که اگر آن دو چیز نبود صحت سلب دارد پایبندی به واجبات و محرمات در حد حساسی جایی نشسته خیلی جلسه محترمی است خلاف شرعی انجام می شود ساکت می شود طلبه نیست یک وقتی دانشگاه بودم تهران در مسجد دانشگاه نماز خواندم در تعقیب نماز جلسه جشن ولادت شعر خواندند مداح تهران بعد گفت کف بزیند در تعقیب نماز دستور داد که کف بزیند بنده حقیر همانجا با قاطعیت گفتم ساکت شکر خدا همه ساکت شدند برای آنها بر خورد بر خورد که بخورد وضعیت نماز تعقیب نماز در ارتباط با خدا جایی عبودیت کف دیگر نشد مذهب این حد اقل طلبه است شما که الحمد لله خوبان هستی و ان شاء الله شما از این حقیر وضعیتتان بهتر است ان شاء الله رفتند پیش مقام بالایی شکایت هم کردند گفتند فلانی این کار را کرد ان هم روحیه طلبگی داشت که فلانی این کار را کرده خوب کار کرده مقوم اول برای طلبه واجبات و محرمات حساس ادم باشد در حد گفتن جدی نشد جلسه را ترک بکند و این مقوم اولش هست مقوم دوم درس حداقل درس فقه را خوب بخواند و الا صحت سلب دارد لیس بطلبه این دو تا می شود طلبه به معنای سرباز اقا امام زمان این مقومش هست اما مکمل و خصوصیات و فضائلش که بتواند کامل کند خذ العفو عفو را همیشه همراه بگیر هر کجا می رویم با عفو باشیم لذا مرحوم ایت الله العظمی گلپایگانی را می گویند که در عمر خودش عصبانی نشد تصمیم بگیرد خداوند در امور معنوی کمک می کند و امر بالعرف معانی زیادی دارد آنچه که ما رجاء می فهمیم خدمت شما عرض می کنیم و امر بالعرف معنای روشنتری که ما می فهمیم امر به معروف کنید دیگر اینکه کار کنید مطابق با عرف کارتان و رفتارتان متعارف باشد نه افراط و نه تفریط از زندگی شخصی بگیرید تا مسائل اجتماعی تا مسائل درسی و بحثی برنامه ای که در زندگی داشته باشد متعارف اگر ادم تمامی امورش را بر طبق متعارف تنظیم کند اولین اثری که دارد این است که خودش آرامش دارد حرکتش ادامه دارد نظامش می شود طبیعی غیر متعارف برخورد نکنید اینجا یک معنای برای امر به معروف بگویم امر به معروف را ما چند معنا برایش می گوئیم یک معنا این است که می گوئیم واجبات معروف است محرمات منکر

است یک معنا می گوئیم که زیارت ال یس دارد **المعروف ما امرتم به و المنکر ما نهیتم عنه** گوش به فرمان مولی باشید و معروف و منکر را رعایت کنیم در عمل حرف هم می زنیم طوری حرف بزنیم که حرف ما معروف باشد این نکته هم خیلی مهم است داستانی که صحبت می کنیم یا مطلبی که شرح می دهیم خیلی دقیق است من لم یستقم لسانه لم یستقم قلبه ادم بعضی چیزها را فکر نمی کند که دروغ است با یک شوخی می شود دروغ حضرت رسول صلی الله علیه و اله به امیر المومنین فرمود لا تکذب فی الجد و الهزل مثلا یک قصه ادم نقل می کند خیلی جاهایش تغییر می کند به خاطر نقل باید بگوئید قریب به این مضمون الا فرق می کند یک مطالبی را برای دوستش توصیه می کند می بیند خودش عمل نمی کند خودش درس نمی خواند ولی می گوید خوب درس بخوان چه می شود **کبر** **مقتا عند الله ان تقولوا ما لا** تعملون نکات ریزی است برای طلبه یعنی یک روحانی وقتی کارش درست می شود و موفق می شود که این مسائل را دقیق رعایت کند دیگر ان طرف را کاری نداشته باشید توفیق را خدا می دهد ان روز گفتم برای شما که روایت را هم تازه بر خورده ام که اگر کسی روزی توفیق بکند و خودش توجه نکند استهزاء می کند و اعرض عن الجاهلین سبحان الله ادم اگر به دستورات قران و عترت مراجعه کند نگرانی دارد راحت است می پرسیم چرا ناراحتی می گوید درگیری دارم نمی شود از بستگان است فرض کنید بستگان نزدیک هر چه می گویم قبول نمی کند می اید از این کارهایی که نباید انجام بدهد فرض کنید خلاف شرع یا نماز را اول وقت نمی خواند تندی می کند هر چی می گوئیم حرف را گوش نمی دهد به امور معنوی توجه نمی کند اعصابتان را خورد نکنید اعرض عن الجاهلین جاهل چه کسی است جاهل کسی است که امر به معروف را گوش نمی دهد و آنچه خودش بفهمد درک بکند دست بر نمی دارد مستبد است و به جهل یا استبداد خودش هم ادامه می دهد چه کار کنیم نخیر نگران نباشید به اندازه متعارف به ان مطلب را بیان بکنید متعارفی که از بستگان نزدیک اگر باشد اقلا در حد سه مرتبه سه بار نه در یک جلسه سه نوبت در جلسات متعدد ان هم کامل نه با خشونت و نه با حساسیت با حساسیت شیوه طلبه نیست شیوه حکام است شیوه ظلمه است نه شیوه طلبه از نظر روحی هم خشونت مانع پذیرش طلبه می شود رمز و راز موفقیت پیامبر اعظم خلق عظیم از لحاظ نفوذ معنا با همه مردم که معجزه ای که عمل نمی کرد علی الظاهر همان سبک پیامبر اعظم که با مهربانی نه فقط تصنعی و سر زبانی قلبا و زبانا از سر مهربانی که ادم شروع کند صحبت را تاثیرش در حد بالایی امکان دارد ان که می گوید الموعظه اذا خرجت من القلب دخلت فی القلب معنایش این است **خرجت من القلب از سر دل سوزی و اذا خرجت من اللسان لم يتجاوز الاذان** از گوش دیگر فروتر نمی رود هر چند زبان تصنعی خیلی خوب باشد عادت کرده البته ان عادت خوبی است زبانش را به ادب عادت بدهد افراط هم نباشد انجا هم برای طلبه دستور داریم بعضی عادت کرده اند تا تکان بخوری عذر می خواهم معذرت می خواهم اینها متعارف نیست باید معترف با زبان خوب و دل پر از مهر دلسوزانه اگر سه بار ادم برای کسی با وضعیت خوبی موعظه کرد اگر قبول نکرد دیگر رنج و ناراحتی و غصه گرفتاری و ماتم دیگر وجود ندارد اعرض عن الجاهلین خودت را کنار بکش کار نداشته باش اقارب هم باشد که باشد اعرض عن الجاهلین راحت یک عمر بعضی از مومنین ممکن است بستگانی که فاسد هستند در رنجند چرا در رنج هستند چه کار کنیم نیست وظیفه ات را انجام بدهید فکر

نکنید دنیا انقدر طولاني نيست اولاً و ثانياً ادم در دنيا بايد فقط وظيفه اش را انجام بدهد چيز کار ديگري ما نداريم و نکته ديگر هم براي عزيزان به عرض برسانم و تمام بنا به نقل چهل و پنج روز امروز شهادت بانو حضرت صديقه طاهره سلام الله تعالي عليها و لعنه الله علي قاتليها و غاصبيها و ظالميها باشد درباره عظمت حضرت صديقه طاهره يك نکته مختصري براي شما بگويم در اين رابطه همان حديثي كه از امام عسکري كه در كتاب عالم العوالم آمده است كه **نحن حجج الله علي خلقه و جدتنا فاطمه حجت الله عليها** اين مطلب فوق العاده عاليه ما حجت خداييم بر خلق خدا و جده ما فاطمه زهرا حجت خدا بر ماست حجت الحجج است خيلي تايبه جامعي است معنای حجت بودن اين است كه حجت خدا 1. دليل بسوي دين خدا 2. نشانه معرفت خدا 3. واسطه رشد و كمال معنوي انسان اين سه براي حجت خدا گفته مي شود حضرت صديقه طاهره براي ائمه معصومين حجت و اين اثارو اين نقشها را دارد و اما درباره شهادت حضرت صديقه طاهره همان حديث را شنیده ايد در منابع سني هم دارد كه دومي با افراد دم در حضرت علي آمدند گفتند در را باز نمي كند واقعا سنگين است خيلي اختصاصي است اولاً. اين نکته را شنیده ايد كه به دومي گفتند در را باز نمي كند اتش مي زنيم گفت اتش بزنيد گفت اتش بزنيد حضرت زهرا پشت در است گفت و ان اين را شنیده ايد تكه اي كه براي بنده حقير و براي شما خيلي سوزناك است اين است كه گفته مي شود كه حضرت امير المومنين فرمود كه اينها با من بدند تو با اينها